

علم أصول الفقه

٢٩

٧-١٠-٩٣ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

• وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٥)

• وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (٦)

• وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (٧)

• وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (٨)

• أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَ ثَمُودَ
وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا
أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (٩)

• قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ
 مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا
 عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (١٠)

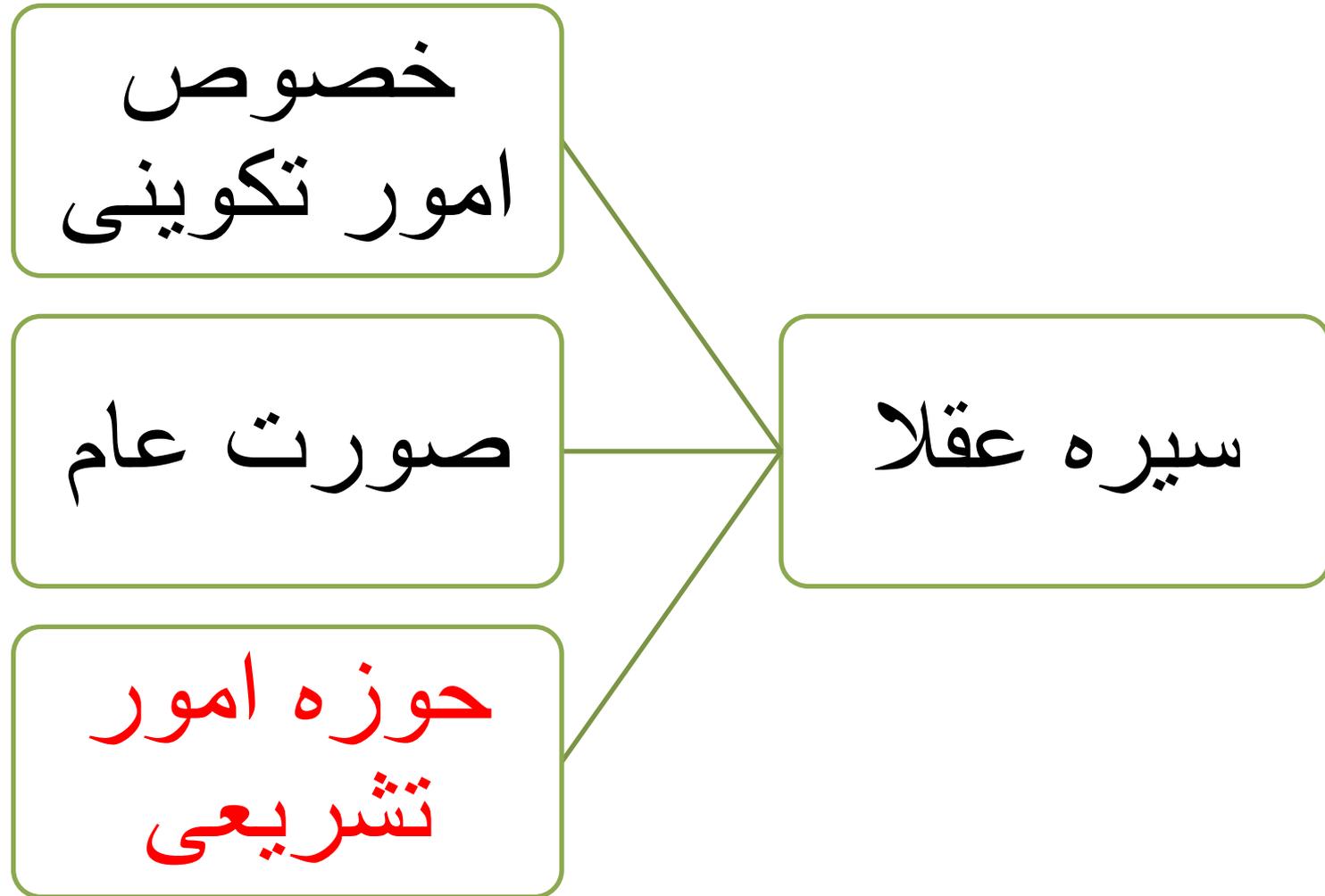
• قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ
 يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ
 بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
 (١١)

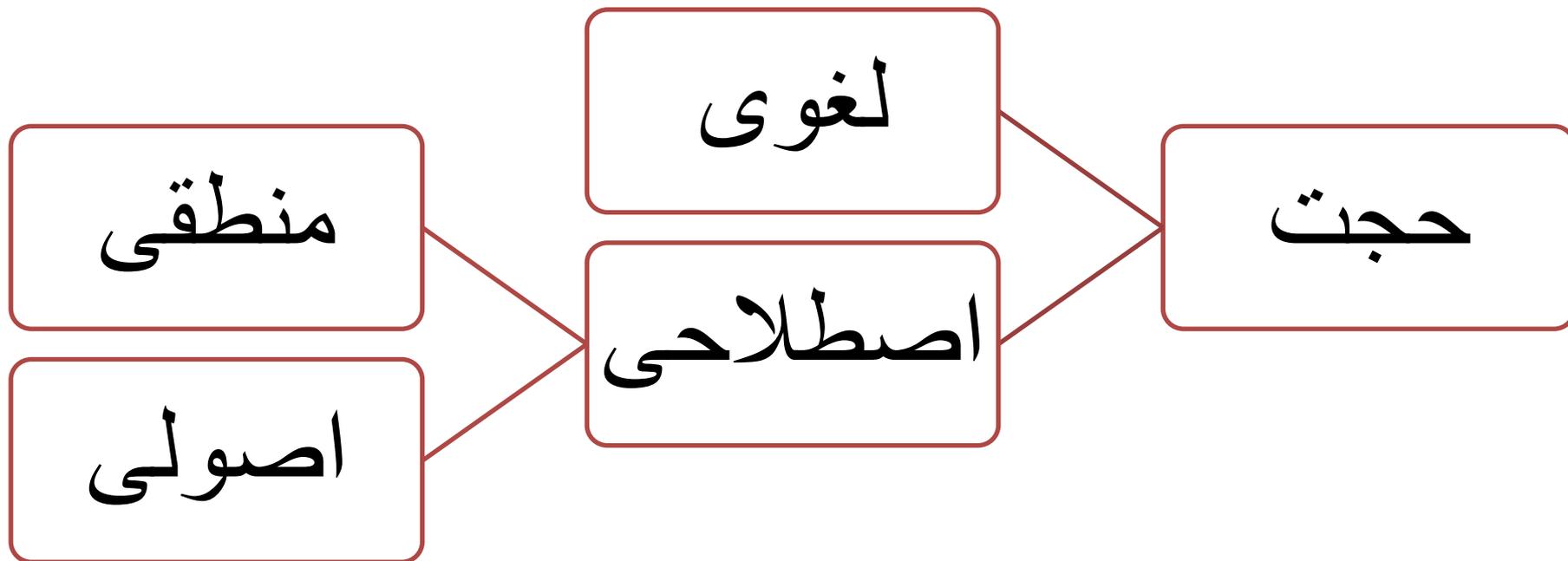
- وَ مَا لَنَا إِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (١٢)
- وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (١٣)

- وَ لَنْسُكِنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي
وَ خَافَ وَعِيدِ (١٤)
- وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (١٥) مِنْ وَرَائِهِ
جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ (١٦)

- يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (١٧)
- مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (١٨)

سیره عقلا در باب ظواهر





معانی حجیت

- حجت به معنای **لغوی** یعنی آنچه که بدان احتجاج می شود،
- حجت به معنای **منطقی** عبارت است از مجموعه‌ای از تصدیقات که برای روشن کردن و علم نسبت به یک تصدیق مجهول به کار می روند
- و حجت در معنای **اصولی** به معنای منجز و معذر است.

معانی حجیت

- دقت کنید:
- معنای حجیت ظاهری این نیست که به دلیل ظاهر تکلیف بر ما منجز می شود،
- بلکه
- مفهوم حجیت ظاهر این است که ما به ظاهر سخن بتوانیم احتجاج کنیم.

معانی حجیت

- به همین دلیل حجیت به این معنا حتی در تکوینیات هم معنا دارد؛
- مثلاً طرف می گوید هوا سرد است، می گوئیم دروغ می گویی یا اشتباه می کنی. می گوید چرا؟ می گوئیم ظاهر این سخن تو این است که الآن واقع خارجی چنین است در حالیکه این ظاهر مطابق با واقع نیست و هوا الآن مثلاً گرم است. اینجا ما به این ظواهر اخذ می کنیم؛ هر چند که اصلاً در اینجا حجیت به معنای منجزیت و معذرت معنا ندارد.

معانی حجیت

- حجت به معنای لغوی یعنی آنچه که بدان احتجاج می شود،
- حجت به معنای منطقی عبارت است از مجموعه‌ای از تصدیقات که برای روشن کردن و علم نسبت به یک تصدیق مجهول به کار می روند
- و حجت در معنای اصولی به معنای منجز و معذر است.
- بنابراین اصولی به دنبال حجت به همان معنای لغوی است؛ یعنی آنچه که بدان احتجاج می شود.

معانی حجیت

- بنابراین مفهوم حجیت در همه جا همین مفهوم لغوی است و ظهور به این معنا از نظر عقلا حجت است چه در تکوینیات چه در تشریعیات.
- در تکوینیات منجزیت و معذرت معنا ندارد؛ و فقط احتجاج معنا دارد و شارع ای ما از همین عدم ردع امضاء وی را کشف می‌کنیم.

ردع به عمومات نفی ظن

- اصولی ها اشکالی را در اینجا مطرح کرده اند که شهید صدر ره هم به آن می پردازد.

ردع حجیت ظاهر

- در موارد مشابه این مسأله مثل حجیت خبر واحد هم همین اشکال مطرح شده است. آن اشکال این است که ظهور مفید ظن است و ما حتی از ظهوری صحبت نمی‌کنیم که موجب اطمینان است.

ردع حجیت ظاهر

- شارع به نحو مطلق حجیت امور ظنی را انکار کرده و فرموده است:
ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً.
- و در مقام توییح فرموده است: **ان یتبعون الا الظن**؛ این ها جز دنبال ظنون خودشان نمی روند. نباید تبعیت از ظن خودشان می کردند و در عین حال تبعیت کردند.
- یا می فرماید: **قل آله اذن لکم ام علی الله تفترون**؛ خدا به شما اذن داده استیا افتراء به خدا می زنید؟ یعنی شما فقط گمان می کنید و اگر بخواهد به صرف گمان چیزی را به خدا نسبت بدهید این افتراء است.

ردع حجیت ظاهر

- اشکال این است که این نوع آیات که در اصطلاح به آن ها مطلقات ناهی از ظن می گویند، اعتبار ظن را نفی می کند و دلیل هستند بر ردع شارع نسبت به مطلق ظنون از جمله ظن حاصل از ظهور.

ردع حجیت ظاہر

- در مقام پاسخ به این اشکال دو مسیر طی شده است:
- یک مسیر همان است که بعضی‌ها مثل مرحوم مظفر رفته اند. این عده گفته اند که این آیات به آن حوزه‌ای مربوط می‌شود که در آن، ظن به هیچ وجه حجیتی ندارد مثل امور اعتقادی.
- پس آیات ربطی به بحث ما ندارد؛ زیرا ما الآن نمی‌خواهیم در حوزه اعتقادات به ظواهر عمل کنیم، بلکه بحث ما در عمل به ظواهر در حوزه فروع شرعی است.

ردع حجیت ظاهر

- مسیر دوم
- این راهی است که شهید صدر ره در مقابل این آیات می فرمایند و به تحلیل سیره و تحلیل فرایند ردع بر می گردد.
- در این راه گفته شود این آیات نمی توانند رادع سیره باشند؛ یعنی هرچند به اطلاق یا عمومشان شامل سیره شوند، نمی توانند رادع آن باشند.
- جواب درست هم همین است.

ردع حجیت ظاهر

- این یک گزاره مربوط به تکوینیات است،
- یونس، آیه ۳۶.
- الانعام، ۱۱۶.
- یونس، ۵۹.
- مرحوم آخوند سه پاسخ داده‌اند که یکی مثل پاسخ مظفر ره است.

ردع حجیت ظاهر

- نقد مسیر اول
- هر دو ادعایی که این مسیر دارد با مشکل مواجه است. دلیلی که این افراد در ادعای اول مبنی بر اینکه این آیات مربوط به اعتقادات است دارند این است که آیات پیش گفته در موردی به کار رفته اند که یک امر اعتقادی مطرح بوده است.

ردع حجیت ظاهر

- مثلاً خداوند تبارک و تعالیٰ با کفار صحبت می‌کند و بحث آن‌ها با مسلمانان سراین نبود که نماز صبح دو رکعت است یا شش رکعت، بر سر اصول اعتقادی، در اصل نبوت پیغمبر و اینکه خدایی هست، ماقشه می‌کردند. و بوده، در واقع این عده می‌خواهند با استفاده از مورد آیه اختصاص آیه به حوزه اعتقادات را ثابت کنند.

ردع حجیت ظاهر

- اشکالی که بر چنین استدلالی وارد می‌شود این است که مورد مخصص وارد نیست؛ یعنی یک مطلبی که خودش شمول و کلیت دارد، اگر در یک مورد خاص به کار رفت، این کاربرد، باعث نمی‌شود که شمولش از بین برود؛ مثلاً اینکه خدا فرموده است ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً، این یک قاعده عام است.
- اینکه خداوند این قاعده را در حوزه اعتقادات و در احتجاج علیه ا کفار به کار برده است، باعث نمی‌شود که اختصاص به همین مورد پیدا کند و فقط در حوزه اعتقادات جاری باشد

ردع حجیت ظاهر

- بنابراین شاهی در خود این آیات وجود ندارد بر اینکه که اختصاص به اعتقادات داشته باشند.

ردع حجیت ظاهر

- نکته دیگر اینکه آنچه در مقام استدلال به کار می‌رود، ظاهر در این است که از مورد خودش وسیع‌تر است. در اصطلاح می‌گوییم علت ظهور در اعم از معلل دارد

ردع حجیت ظاهر

- وقتی مثلاً گوینده می گوید: اگر آهن را حرارت بدهیم منبسط می شود؛ چون فلز در اثر حرارت منبسط می شود، این عمومیت علت نسبت به معلل اقتضا می کند که هر فلزی در اثر حرارت منبسط شود و این چیزی وسیع تر از این است که این آهن در اثر حرارت منبسط می شود. اما اینکه چقدر توسعه دارد و آیا فقط شامل همه آهن ها است یا همه فلزهای جامد یا همه فلزها هر چند جامد نباشند را در بر می گیرد. این دیگر از خود ذات تعلیل فهمیده نمی شود.

ردع حجیت ظاهر

- البته در جای خود بحث داریم که اطلاق تعلیل، در اعم بودن تعلیل ظهور دارد؛ یعنی اگر بتوان برای تعلیلی چند دایره فرض کرد، آن اطلاق اقتضا می‌کند که اوسع دوائر مراد گوینده باشد.
- در هر حال قاعدة «علت ظهور دارد در اعم از معلل» فی حد نفسه بیش از این اقتضا نمی‌کند که علت وسیع‌تر از مورد خودش را می‌گیرد؛ اما این توسعه چقدر است، را خود این قاعدة بیان نمی‌کند.